

«مانیتیسیم»

تألیف آفلیا تر

— ۸ —

ترجمه شاهرزاده محسن میرزای ظلی

مجبور کردن معمول بانداختن چیزی

معمول را وادارید يك عصا یا يك چیز دیگر بدستش بدهید در ریشه چشمش نگاه کرده بگوئید آآن از دست شما . . . بی . . . اختیار . . . عصا . . . بزمین می افتد و مکرر کنید تا یفتد و بر عکس اگر اقاء کنید که ممکن نیست بتوانید عصارا رها کنید و البته بدست شما چسبیده است قطعاً نمیتواند رها کند متصل کردن دودست معمول بیکدیگر

معمول را وادارید بگوئید دودستش را بقدرنیم ذرع از هم بفاصله نگاهدارد و اقاء کنید که الان دودست شما بهم جفت می شوند آتقدر اصرار کنید تا موفق شوید وقتی دودست جفت شدند اقاء کنید که از همدیگر جدا نخواهند شد و البته نمی توانید جدا کنید

مجبور کردن بدست زدن برای تحسین

معمول را وادارید و در ریشه چشمش نگاه کرده بگوئید الساعه دست خواهی زد و تحسین با دست خواهید کرد وقتی شروع کرد قطع نخواهد کرد تا در چشمش فوت کنید

مجبور کردن بچرخاندن يك یا هر دو دست

معمول را وادارید و بانگاه در ریشه چشمش بگوئید الساعه دو دست شما اینطور چرخ خواهند خورد (و خودتان آن حرکت را بکنید) و آتقدر اقاء کنید تا بچرخاند بعد اصرار درتند چرخاندن کنید و تا فوت نکرده و نگوئید بس است او مشغول خواهد بود

منع از باز کردن چشم

معمول را وادارید و بگوئید چشمهایش را ببندد با اراده قوی بگوئید چشم شما ممکن نیست تا امر ندهم باز شود بعد فوت کنید وقتی باز کرد بگوئید دیگر نمی توانید چشمتانرا ببندید و اصرار کنید.
(منع از نشستن)

معمول را وادارید و بگوئید خشک شدید و نمیتوانید بنشینید و اصرار کنید بعد فوت کنید

(خشک کردن يك ياهر دو پای معمول)

معمول را وادارید و با اراده قوی و نگاه در ریشه چشم او و نگاه او در چشمهای شما بگوئید : الساعة پای شما خشک شده قادر بحرکت نخواهید بود و اصرار کنید تا خشک شود .

(مجبور کردن معمول به برخاستن)

معمول را روی صندلی بنشانید و با نگاه در ریشه چشمش بگوئید : الان ، ازجا برخاسته و نمی توانید بنشینید و اصرار کنید تا برخیزد .

بستن مشت معمول ، دراز کردن پا ، یا هر شکل دیگر که میل دارید اختراع کنید بطریق گذشته اجرا خواهد شد و رفته رفته شما قوی تر شده و معمول هم حساس تر خواهد شد و فراموش نکنید که در هر امری که پیشرفت نکرده و معمول اجرا نداشت خودتان آن حرکت را در مقابل معمول کرده و در دلیله با اراده قوی تقلید آن را از معمول خواسته و با زبان القاء کنید .

خشک کردن دست معمول

معمول را وادارید ، در مقابلش ایستاده بانگه در ریشه چشمش یکی از دستهایش را امر دهید افقی نگاه دارد و القاء کنید ، دست ، شما ، خشک ، شد دیگر ، نمی ، توانید ، تاه کنید . و با دست چپ بازوی او را نگاه داشته و با دست راست چندین پاس ملایم بامسح از روی شانه تاسر انشتهایش بدهید و ادامه دهید تا بکلی خشک شود . برای برطرف کردن فوت ، دست زدن تمام شد تمام شد ، یافوت و

چندین پاس طرف بالا با دو دست بدهید و مسح لازم نیست و کافی است که از فاصله يك ذرعی هم پاس دهند .

(خشك كردن پای معمول)

معمول را وا دارید بگوئید يك پایش را يك قدم جلو گذارد بانگاه در ریشه چشمش القاء کنید که قادر بحرکت نیستید پاهای شما بهمین حال خشك شدند و اصرار و تکرار کنید و چندین پاس هم از بالای ران پائین بدهید قطعاً خشك میشود

(پائین آوردن بازوهای معمول)

معمول را وا دارید و بگوئید دو دستش را افقی روی هم بگذارد بعد القاء کنید الساعه . دستهای . شما . می . افتند . و برای اجرای فوری خودتان همان حرکت را رو بروی معمول بکنید تا زود اجرا کند .

(منع از بلند کردن بازوها)

معمول را وا دارید و بانگاه در ریشه چشمش بگوئید : قادر بحرکت دو دست نیستید و چند پاس از شانهایش تا نوک انگشتانش بدهید و با اصرار و تکرار موفق بحرکت دست نخواهد شد . برای امر به بلند کردن دو دست بگوئید من شروع بشمردن میکنم و چون بعدد ۹ رسم دو بازوی شما بی اختیار بلند شده افقی خواهند ایستاد و با کمال تانی شروع بشمردن کنید مع ۹ . . . ۹ و چون افقی شدند بگوئید دیگر نمی توانید پائین بیاورید و اصرار کنید .

(چسباندن یک دست معمول روی میز)

بمعمول بگوئید يك دستش را روی میز بگذارد بانگاه در ریشه چشمش بگوئید دست . شما . بمیز . چسبید . و نمی . توانید . جدا . کنید . و چند پاس از شانها تا بازو نوک انگشتانش بدهید البته بمیز خواهد چسبید . برای امتحان بگوئید : بلی دست شما روی میز چسبیده ، اگر میتوانید بردارید .

(چسباندن یک دست معمول روی دست عامل)

دست چپ را دراز کرده یک دست معمول را روی دست خود بگذارید و با دست راست چندین پاس از شانه معمول تاروی اندشتانش داده . در ضمن بگوئید دست شما روی دست من خواهد چسبید و قادر به کشیدن نیستید . پاس را مکرر و القاء را تکرار کنید تا دست معمول چسبیده قادر بکشیدن نباشد و ممکن است بعد دو دست او را روی دست خود بچسبانید .

(مجبور کردن معمول بتعاقب شما)

معمول اگر تازه وارد و کار نکرده است قبلا دو دستتان را روی سرش گذاشته قریب دو دقیقه نگاهدارید بعد در جلو او ایستاده در ریشه چشمش نگاه کرده بگوئید در چشم شما نگاه کند پس از یلی دو دقیقه بگوئید هر جا من بروم شما مجبور بتعاقب من خواهید بود و کمی حرکت کنید اگر نیامد دوباره نگاه کنید تا سیالات مانیتیسیم شما در او کارگر شده مجبور بحرکت شود بعد هر جا بروید شما را تعاقب خواهد کرد . *انسانی و مطالعات فزنی*

(خشک کردن پاهای معمول)

معمول را وا دارید بگوئید یک پایش را یک قدم جلو تر از پای دیگر بگذارد بانگاه در ریشه چشمش بگوئید ممکن . . . نیست . . . قدم . . . بردارید و اصرار و تکرار کنید و بعد بگوئید دو دست شما الان بسمت بالا میروند و مقابل شانه شما می ایستند و با تکرار خودتان هم همان عمل را اجرا دارید . بعد بگوئید دهان شما هم الان باز می شود و تکرار کنید تا تمام را اجرا دارد و تفاوت نکنید و دست نزدیک بهمان حال خواهد ماند .